

الگوی حسابداری مدیریت بخش عمومی با رویکرد بهره وری مالی؛ بررسی نقش عقلانیت، اثربخشی هزینه و کارایی مالی

کرم‌اله دانش‌فرد^۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۵

چکیده

هدف پژوهش، شناسایی چابستی و چرایی الگوی حاکم بر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی می‌باشد. نوع تحقیق، توصیفی و روش اجرای آن میدانی است که با استفاده از استراتژی پژوهش آمیخته کمی و کیفی اجرا گردیده است و برای گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه استفاده شد. از آن جایی که یکی از ابزارهای مهم در تعیین نوع و محتوای برنامه‌های مالی، بهره‌وری مالی است، به همین علت، در این مطالعه، الگوی شکل‌گیری برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی، بر اساس بهره‌وری مالی؛ کارایی مالی، اثربخشی هزینه و عقلانیت به منظور تعیین ابعاد ستاده‌های فرآیند برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی ارائه و آزمون شده است. این مدل براساس سه حوزه ادبیات مدیریت، یعنی ادبیات حسابداری مدیریت، ادبیات مرتبط با حوزه بهره‌وری و برنامه‌ریزی مالی ایجاد شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بهره‌وری مالی به شکل‌گیری برنامه‌های دولت در بخش عمومی کمک می‌نماید و برنامه‌های مالی بخش عمومی بر برابری اجتماعی و تقاضای عمومی اثر مثبت دارد. نتایج به دست آمده از نمونه آماری، یافته‌ها را تایید نموده است.

واژه‌های کلیدی: برنامه مالی، بخش عمومی، بهره‌وری مالی، عقلانیت، کارایی تخصیصی، برابری اجتماعی.

۱- مقدمه

برنامه ریزی مالی بخش عمومی هم از وظایف سنتی و هم جدید دولت است که در آن، جهت های اصلی، اولویت های تخصیص و هدف های بخش عمومی مشخص می شود. اگر چه برنامه ریزی مالی بخش عمومی، از مفاهیم قرن بیستم است و بر موضوعات متعددی متمرکز شده است اما با توجه به تغییرات سریع و عمیقی که در چند دهه اخیر به وقوع پیوسته است تغییرات متعددی در روش برنامه ریزی مالی بخش عمومی در بین کشورهای مختلف صورت پذیرفته و در این روش ها، بر عوامل متعددی تاکید شده است. درچنین شرایطی موقعیت مدیریت تنها مبتنی بر معیارهای اداری و قضایی نبوده و به توانایی همگامی با جریان اصلی رشد نیز بستگی خواهد داشت.

برنامه ریزی مالی در کشورهای کم درآمد یا درحال توسعه، متکی است بر؛ کارایی مخارج و تخصیص منابع (کایدن و ویلداویسکی، ۱۹۷۴). برنامه ریزی مالی بخش عمومی، توجیه مخارج درآمدهای گذشته را ارائه می دهد، نظارت بر مخارج و درآمدهای جاری را تدارک می بیند و مخارج و درآمدهای آینده را پیش بینی می کند. برنامه ریزی در شکل ایده آل خود کمک می کند کارایی مخارج و تخصیص منابع طبق آن صورت پذیرد (ویلداویسکی، ۱۳۷۶). دولت انگلستان، کاهش مخارج عمومی را دست کم نسبت به محصول ناخالص داخلی، یکی از راهبردهای مالی میان مدت خود که در سال ۱۹۸۰ اعلام شد، قرار داد. در هر صورت، توجه به نحوه تخصیص منابع و مخارج عمومی در برنامه ریزی عمومی مبنای تجربی دارد. بدون توجه به این دو متغیر مهم، شاید نتوان برنامه

ریزی مالی انجام داد. در غرب، افزایش سریعتر مخارج نسبت به درآمدها یک نقطه ضعف ساختاری بودجه ای ایجاد کرده است، نقطه ضعفی از سمت تقاضا که نمی تواند کاهش یابد و از سمت عرضه درآمد که نمی تواند به قدر کفایت پاسخگوی افزایش تقاضا باشد (تارچیس، ۱۹۷۵). یکی از نکات قابل توجه گرایشهای جدید از جمله جهانی شدن و حکمرانی خوب، رویکرد جدید به بخش عمومی است. در فضای جدید، هیچ گونه دیدگاه افراطی نسبت به گسترش بی رویه یا حذف دولت، پذیرفتنی نیست (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۷). با آن که دولت و در مجموع بخش عمومی قادر نیست به تنهایی پاسخگوی همه مشکلات اقتصادی باشد، حذف کامل این نهاد و سپردن امور به دست بازار نیز در حکم تضعیف اقتصاد است (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۷). آن چه بر روی آن تاکید می شود نحوه برنامه ریزی مالی دولت با استفاده از شناسایی متغیرها و عوامل مهم و تعیین روابط آن ها در الگوی برنامه ریزی آن هم در قالب یک رویکرد نظیر حسابداری مدیریت و ابعاد آن می باشد.

در برنامه ریزی مالی بخش دولتی باید بین سیاست هزینه (چه کاری انجام شود) و مدیریت هزینه (چگونه کار انجام شود)، تفکیک صورت گیرد (شیانو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹)؛ مدیریت هزینه های عمومی، به طور کلی سه هدف را دنبال می کند: ثبات در مالیه عمومی، رشد اقتصادی و عدالت که تحقق این سه هدف در گرو استفاده کارا و اثربخش منابع در عمل است اما سیاست هزینه عمومی به سه هدف اصلی یعنی انضباط مالی (کنترل هزینه ها)، تخصیص سازگار منابع با اولویت های تعیین شده (تخصیص راهبردی) و مدیریت عملیاتی خوب تاکید دارد. در

دولتی از برنامه درآمدهای و هزینه‌های خود را ارزیابی نموده است.

دانیل تارچیس (۱۹۷۵) در مطالعه خود در باره تلاش‌های به عمل آمده برای محدود ساختن مخارج صورت گرفته، بیان می‌دارد؛ اینک به نظر می‌رسد دولت‌ها، در بسیاری از کشورها در جستجوی هنجاری مصنوعی هستند تا آن را جایگزین ایده آل منسوخ شده تعادل بین درآمد و خرج کنند. البته اعمال محدودیت هزینه‌ها از بالا می‌تواند به تخصیص نامناسب منابع و فقدان کارایی اجرایی منجر شود و مدیریت و کارایی اجرایی جز در بستری از انضباط مالی و تخصیص صحیح منابع که مدیریت خوب، سهم عمده‌ای در آن دارد، اصلاح نخواهد شد (شیانو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹).

یک دهه پس از بررسی کلاسیک ویلداوسکی تغییر زیادی حادث شد که مدل تدریجی را تحت تاثیر قرار داد. این تغییر عبارت بود از رکود بودجه‌ای، که در دهه هفتاد شرایط اقتصادی و سیاسی دگرگون شد. بدین معنا که در این سال‌ها واکنشی سیاسی نسبت به بخش دولتی به وجود آمد، و بسیاری از جوامع غربی دستخوش بحران‌های شدید مالی گردیدند. تاثیر متقابل این عوامل سبب شد مسئله کاهش هزینه‌ها در برنامه مالی دولت‌ها مطرح شود. در این دوره رقابت بیشتر بین سازمان‌های دولتی آغاز گردید و تلاش برای کسب بودجه بیشتر و یا حداقل جلوگیری از کاهش بودجه آغاز گردید. منطبق مدیریت دولتی بر اساس رشد و بقا و در صورت امکان بر مبنای رشد و توسعه قرار گرفت.

ادبیات مرتبط با برنامه ریزی مالی بخش عمومی، بیان شده است که ابزار دستیابی و عناصر اصلی تدوین برنامه مالی بخش عمومی از طریق شاخص‌های بهره‌وری مالی صورت می‌گیرد. سنجش بهره‌وری در سطح سیاستگذاران و تدوین کنندگان آیین‌نامه‌ها و پیشنهاددهندگان قوانین دولتی، نقش مهمی در بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی و انتخاب آن دارد (فیسک، ۱۹۸۳). دراکر (۱۹۶۳) بهره‌وری را مجموع اثربخشی (انجام کارهای درست) و کارایی (انجام درست کارها) تعبیر نموده است، گادری (۱۹۸۸) و مک لافلین (۱۹۹۲) تعریف ورودی و خروجی را به عنوان مفهوم اصلی در تحلیل بهره‌وری بیان نموده‌اند. لینا و همکاران (۲۰۱۰)، توجه به بهره‌وری و سنجش آن را، باتوجه به سنجش اثربخشی، عقلانیت و کارایی مفید دانسته‌اند. انگیزه اصلی این تحقیق، ارائه الگویی از تدوین برنامه ریزی مالی بخش عمومی براساس بهره‌وری مالی بخش عمومی است به منظور بهبود ستاده‌های فرآیند برنامه ریزی مالی بخش عمومی است. تحقیق حاضر در تلاش برای پاسخگویی به سوال‌های زیر است:

- ۱) چگونه ابعاد بهره‌وری مالی می‌توانند به شکل‌گیری برنامه ریزی مالی بخش عمومی کمک نمایند؟
- ۲) چگونه برنامه ریزی مالی بخش عمومی به بهبود ابعاد ستاده‌های فرآیند برنامه ریزی مالی بخش عمومی منجر می‌شود؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

برجسته‌ترین مطالعات و تحقیقات انجام شده در مورد برنامه ریزی مالی بخش عمومی از سوی ویلداوسکی است (بک جورجسون، ۱۹۸۵). وی در بررسی‌های خود از رفتار مالی دولت، بحث کرده و چگونگی دفاع سازمان‌های

جدول شماره ۱- بررسی تحول برنامه ریزی مالی بخش عمومی در بودجه عمومی

ماهیت هزینه ها و مخارج عمومی	اداره تحقیقات شهر نیویورک از روش جدیدی در بودجه ریزی استفاده کرد که در آن هزینه ها بر حسب نوع، در قالب برنامه دسته بندی شدند و شهروندان به راحتی از ماهیت هزینه ها مطلع می شدند.
تاکید بر مخارج عمومی	در سال ۱۹۱۰ بودجه شهر شیکاگو به روش برنامه ای تهیه شد که بر طبقه بندی هزینه ها تاکید شد.
تاکید بر برنامه در درآمدها و هزینه ها	رئیس جمهور وقت آمریکا از سنا و مجلس نمایندگان خواست بودجه را براساس بودجه برنامه ای در دستور کار قرار دهند.
برنامه ریزی و کنترل	شرکت دوپونت و جنرال موتورز در سال ۱۹۲۴ از بودجه برنامه ای استفاده نمودند.
تخصیص منابع	بودجه برنامه ای در ۱۹۳۰ در وزارت کشاورزی آمریکا مرسوم شد
کنترل و تخصیص منابع	بودجه برنامه ای در دهه ۱۹۴۰ در بخش های نظامی متداول شد و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت.
ارتقای کارایی بخش ها	روش بودجه بندی عملیاتی با تاکید با هدف ارتقای کارایی همه بخش ها توصیه شد.
سهولت در اجرا	به علت صعوبت در اجرای بودجه عملیاتی، مک نامارا وزیر وقت دفاع آمریکا در سال ۱۹۶۱ استفاده از بودجه ریزی برنامه ای را به وزارت دفاع ابلاغ نمود.
تاکید بر عقلانیت و کارایی، دستیابی به هدف	روش بودجه بندی با عنوان؛ طرح ریزی، برنامه ریزی، و بودجه ریزی در اواسط دهه ۱۹۶۰ در آمریکا مطرح شد که بیشتر بر عقلانیت تاکید می نمود.
تاکید بر استراتژی و برنامه	در روش PPBS مشخص می شود کدام برنامه در چارچوب کدام طرح جهت اجرای کدام استراتژی و به منظور دستیابی به کدام هدف در دست اجرا است
دقت و شفافیت	جانسون به علت شفافیت و دقت این روش، آن را در سال ۱۹۶۶ ابلاغ نمود.
امتیازات و ظرفیت های دفاعی و نظامی	روش طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه ریزی گرچه در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا لغو شد اما به دلیل امتیازات و ظرفیت های آن بیش از ۳۰ سال ادامه یافت.
تعیین بودجه در هر سطح براساس نیاز تعریف شده	این روش PPBS نسبت به روش افزایشی پیشرفته محسوب می شود.
کارایی	رامسفلد وزیر دفاع آمریکا، به منظور افزایش کارایی، اصلاحاتی از جمله دوسالانه بودن را در روش PPBS ایجاد نمود
کارایی در تخصیص منابع	به دلیل ضرورت افزایش و ارتقای کارایی در تخصیص منابع از روش بودجه بندی بر مبنای صفر استفاده شد
کارایی در عمل	روش بر مبنای صفر، با وجود شفافیت و دقت کافی جهت استمرار، به علت عدم کارایی در عمل با استقبال مواجه نشد.
تعیین مخارج عمومی و تخصیص منابع	روش بودجه ریزی غلطان در شرایط عدم اطمینان از درآمدها، تخصیص منابع بر حسب اولویت ها انجام شود. ابتدا هزینه مورد نیاز برنامه ها و فعالیت ها طبقه بندی می شود تا با توجه به حصول درآمدها، منابع تخصیص یابد.
همبستگی بین تخصیص منابع و کارایی بودجه	در بودجه ریزی به طور سالیانه در جهت اهداف بلندمدت تخصیص می یابد. تدریج گرایی، خردگرایی و انتخاب عمومی در جهت تخصیص بهینه منابع مطرح شده اند.

منبع: (نویخت، ۱۳۹۱؛ خضری، و قاسمی، ۱۳۸۴؛ کوایمان و الباسن، ۱۹۹۱؛ ویلدا ویسکی، ۱۳۷۶؛ شیائو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹)

مورد تخصیص عادلانه کم شده بود. از این رو، افزایش بررسی در مورد تخصیص منابع در این دوران را نمی توان امری تصادفی محسوب کرد (بک جورجینسون، ۱۹۸۵).

در این دوره، صدا و آزادی بیان(درخواست و ادعا) نفوذ کمتری بر بودجه پیدا کرد و وفاداری به سازمان نیز کاهش یافت. در این حالت، وزارتخانه ها هم تلاش کمتری بر کاهش هزینه از خود نشان دادند و هم انگیزه آن ها در

مفهوم سازی برنامه ریزی مالی بخش عمومی

برنامه ریزی مالی بخش عمومی، تلاشی برای اعمال شیوه‌ها و تکنیک‌های مناسب برای بهبود ستاده‌های تعریف شده در بخش عمومی است. دولت برای اجرای نقشی که از سوی مردم تعیین شده است به این موارد نیاز دارد؛ گردآوری منابع به شیوه مناسب و به مقدار کافی و دوم تخصیص و مصرف منابع به شکلی کارا و اثربخش (شیانو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹). برنامه ریزی مالی بخش عمومی، در تلاش است اولویت‌های تخصیص منابع و هزینه‌های عمومی را براساس به کارگیری مهارت‌ها و تکنیک‌ها و اعمال معیارها و شاخص‌هایی تعیین نماید که به کسب اهداف تعیین شده از جمله برابری اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای عمومی منجر گردد. به همین جهت در این پژوهش، برنامه ریزی مالی بخش عمومی در قالب دو بعد تخصیص منابع و مدیریت هزینه در قالب مفاهیم حسابداری مدیریت مورد بررسی قرار گرفته است.

تغییر جهت‌گیری در سازمانی به وقوع می‌پیوندد که بر اعتبارات مالی که از سطح سیاسی بالادست کسب می‌کنند تکیه کنند نه بر حمایت‌های مالی که از طریق مشتریان تامین می‌شود (جان کوایمان و الیاسن، ۱۳۷۰). ارائه مفاهیم جدید همچون اصل فایده و مطلوبیت جونز (۱۹۱۱)، تلاش مارکس (۱۹۰۹) در جهت ارائه الگوی برنامه ریزی برای رشد اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت با نفی مالکیت فردی و اعمال مدیریت دولتی، پیشنهاد گالبرایت (۱۹۶۷) به حضور تکنوکراتها و متخصصان از طریق معرفی نهاد فنی در نظام برنامه ریزی مالی دولت، که به اعمال متغیرهای علمی تاکید دارند، اشاره به نتایج برنامه ریزی در بخش عمومی است. البته در این که کدام الگو می‌تواند موفق‌تر یا موثر باشد نظریات گوناگونی وجود دارد اما اثبات موفق‌ترین دولت‌ها یا الگوها در ارائه خدمات عمومی، اساساً ناممکن است (اکونومیست، ۱۹۹۷).

جدول شماره ۲: نظریه‌های مرتبط با تخصیص منابع و مخارج عمومی

ماموریت‌گرایی، استفاده از اشخاص خبره، بازدهی و کیفیت	نظریه منطقی سیاسی مطرح شده است که تصمیمات مربوط به تخصیص منطقی است و توسط تعداد کمی از اشخاص خبره یا آگاه این تصمیمات را می‌گیرند.	هاکمن، ۱۹۸۵
توجه به متغیرهای سیاسی، بده بستان، چانه زنی، روابط سیاسی	نظریه بحرانی - سیاسی در تخصیص مطرح شده است که مسئله تخصیص به عنوان یک فرایند بحرانی فرض شده و تعداد زیادی از روابط بسیار پیچیده در تصور می‌شود.	اسلتر، ۱۹۹۳
تاکید بر عوامل منطقی، کارایی، اندازه‌های دقیق	در نظریه اقتصادی بنگاه، واحدهای مختلف سازمان یا بنگاه اقتصادی به عنوان عاملان منطقی تصور می‌شوند.	جیمز، ۱۹۹۰
معیارهای حسابداری، حساب‌های ملی، منابع و مخارج عمومی	در بودجه اقتصادی، به منظور برآورد بهتر اقلام بودجه‌ای، کلیه درآمدها و هزینه‌ها در حساب‌های ملی گنجانیده می‌شوند.	توفیق، ۱۳۸۲
رفاه و امنیت. ماموریت‌گرایی	برنامه ریزی مالی بخش عمومی در نظام‌های اقتصادی در اهدافی چون امنیت، رفاه و توسعه اشتراک نظر دارند.	هریسون، ۲۰۰۳
کنترل تخصیص منابع، توزیع مجدد ثروت	برنامه مالی دولت، قبل از آن که برنامه کاری دولت تلقی شود، یک وسیله برای کنترل توزیع مجدد ثروت در دست مجلس است	گیلدن هویس، ۱۹۹۷
نظارت و پاسخگویی	برنامه مالی دولت بر روی ویژگی‌های خاص و تلاش برای تحقق اهداف بلندمدت و چشم‌اندازها تدوین می‌شود اما باید توانایی نظارت و پاسخگویی را افزایش بدهد	یونگ، ۲۰۰۳

برای رعایت دو اصل کارایی و تخصیص منابع، در اجرای بودجه ای که به نحو احسن تهیه شده باشد، باید از اصول زیر تبعیت نمود: وجوه بودجه ای باید به موقع تخصیص داده شود، جز در موارد اضطراری باید از سهمیه بندی وجوه خودداری نمود، با حفظ عدم تمرکز برای رسیدن به حداکثر کارایی، کنترل های مرکزی لازم نیز بر هزینه ها اعمال شود (شیانو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹).

تخصیص منابع: عملیات در نظر گرفتن اعتباری که برای هر برنامه یا برای خرج، در اختیار هر دستگاه اجرایی گذاشته می شود، تخصیص است. در نظر گرفتن اعتبار، همراه با تصویب برنامه صورت می گیرد. در حقیقت، پیوند و ارتباط بودجه بندی و سیاستگذاری نزدیک است، توزیع قدرت الزاماً در تخصیص منابع بازتاب می یابد (ویلداوسکی، ۱۳۷۶). البته، بیشتر طرفداران افزایش بودجه، به جای بیشینه سازی منابع تخصیص یافته به دنبال دفاع از مبنای بودجه ای خود (سطح فعلی مخارج) هستند و تا زمانی که اهداف دیگر مستلزم کاهش منابع تخصیص یافته به سازمان نباشد آن ها را تعقیب می کنند (فوزارد، ۲۰۰۱). در نظریه بحرانی- سیاسی، مسئله تخصیص به عنوان یک فرایند بحرانی در نظر گرفته شده است و تعداد زیادی از روابط بسیار پیچیده در آن تصور می شود که از نظر جنسیت، نژاد، قدرت و خدمت به روسا و کارفرمایان شکل می گیرد (اسلنتر، ۱۹۹۳). این نظریه بر عواملی مانند نزدیکی به بازار، تنوع، متغیرهای مجازی، منافع گروه ها تاکید می نماید. تدریج گرایی با تاکید بر تخصیص های درون بخشی، پیچیدگی تصمیم های بودجه ای، به ویژه رابطه میان بودجه ریزی خرد (تاکید بر تخصیص منابع) و کلان (تاکید بر ایجاد ثبات) را دست کم می

گیرد (فوزاد، ۲۰۰۱). در حالی که عقلانیت در بودجه سعی دارد تحلیل را به جایگاهی در تصمیم گیری ارتقا دهد و به دنبال تخصیص منابع است تدریج گرایی نشان می دهد که ملاحظات سیاسی، نقش آفرینی نهادها و عقلانیت محدود تصویر روشن تری از بودجه ارائه می دهد (خضری و همکاران). به منظور تعریف تخصیص منابع از سازه برنامه ریزی مالی بخش عمومی، از تحقیقات (شیانو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹؛ کوایمان و الیاسن، ۱۳۷۰؛ بک جورجینسون، ۱۹۸۱؛ تارچیس، ۱۹۷۵؛ زهو باچمن، ۲۰۰۲) استفاده شده است.

مخارج عمومی: هزینه های صورت گرفته برای اجرای برنامه ها یا انجام وظایف دستگاه های اجرایی، مخارج عمومی است. این مخارج معمولاً در قالب بودجه سالانه کشور صورت می گیرد. در بسیاری از کشورها، حتی بیش از نیمی از مخارج عمومی به صورت بودجه بندی براساس تخصیص صورت نمی گیرد، این مخارج بیشتر به صورتی انجام می شود که من آن را بودجه بندی خزانه نامیده ام (ویلداوسکی، ۱۹۷۹). گرچه کریستین سن (۱۹۸۲) ادعا می کند که برای بخش عمومی چیزی به نام کمیابی منابع وجود ندارد، حتی اگر منابع به این معنا کمیاب باشد که تقاضا برای مخارج عمومی از منابع موجود همیشه فراتر می رود، یا بیش از آن باشد. به منظور تعریف مخارج عمومی از سازه برنامه ریزی ملی بخش عمومی، از تحقیقات فوزارد (۲۰۰۱)؛ کایدن و ویلداویسکی، (۱۹۷۴)؛ آلن و هرتال، (۱۹۹۹)؛ زهو و باچمن، (۲۰۰۲) استفاده شده است.

جدول شماره ۳: کارکرد درآمدی و هزینه‌ای اهداف مدیریت هزینه‌های عمومی

هدفها	کارکرد درآمدی	کارکرد هزینه‌ای	سطح سازمانی
انضباط مالی	پیش‌بینی‌های قابل اعتماد	کنترل هزینه‌های	کلی (هیات وزیران)
تخصیص و تجهیز منابع	عدالت و شمول مالیاتی	برنامه‌ریزی هزینه‌ها	بین وزارتخانه‌ای
کارایی اجرایی (کارایی، اثربخشی و فرآیند مناسب)	سازمان‌اداری وصول مالیات	مدیریت هزینه‌ها	درون وزارتخانه‌ای

ماخذ: شیانو کامپو و توماسی، ۱۳۸۹

مفهوم سازی ستاده‌های فرایند

دولت به نمایندگی از عموم، متولی رشد و توسعه اقتصادی است و در نتیجه در همه عرصه‌های اقتصادی وارد می‌شود. علاوه بر منافع مستقیم این رفتار دولت، شاهد پیامدهای منفی زیادی هستیم از جمله این که میزان تصدی‌گری‌های اقتصادی دولت افزایش می‌یابد و احتمال کاهش کارایی به شدت افزایش می‌یابد (نعمتی، ۸۸). بسیاری از مردم در مورد بهره‌وری بخش دولتی این سوال را در ذهن دارند که بخش دولتی در ازای مصرف منافع عمومی، چه چیزی را به دست می‌آورد (لینا و همکاران، ۲۰۱۰). در اقتصاد متعارف، یکی از دلایل مهم دخالت دولت در اقتصاد، تهیه کالاهای عمومی است. دو ویژگی حیاتی برای اقتصاد کشورها می‌تواند به همراه داشته باشد شفافیت در نظام اقتصادی و چگونگی تخصیص منابع (نعمتی، ۱۳۸۷). اما هدف از خصوصی سازی، گسترش رقابت و در نتیجه افزایش کارایی است (جلال آبادی، ۱۳۸۷). در نظریه اقتصادی بنگاه، واحدهای مختلف سازمان یا بنگاه اقتصادی به عنوان عاملان منطقی تصور می‌شوند. این نظریه برای سازمان‌های غیرانتفاعی بسط داده شده است (جیمز، ۱۹۹۰). بنابراین، طبق نظریه اقتصادی، بنگاه چند محصولی - غیرانتفاعی یا نظریه بنگاه غیرانتفاعی با محصولات متنوع تبدیل شده است. البته در این نظریه بر منطقی

بودن فرایند تاکید می‌شود اما مبنای آن منافع سازمان خاص است. به اعتقاد بک جورجینسون (۱۹۸۱)، مدیران باید جهت‌گیری خود را در راستای بهینه‌سازی و ترکیب منابع موجود (عوامل تولید) در عوض صرف به دست آوردن رشد، تعدیل انتظارات و توقعات مشتریان و کاهش آن‌ها، و در هم شکستن انحصارات، تغییر دهند. زیرا این عوامل، نهایتاً را تجدیدنظر در اولویت‌ها و تجدید سازمان را تحت تاثیر قرار خواهند داد. سیاست‌های رقابتی اگر چه در بسیاری موارد همچون اتکا به سازوکار قیمت‌ها، آزادسازی مالی و تجاری و غیره بی‌شباهت به سیاست‌های تعدیل اقتصادی نیست اما با یک ویژگی اساسی از سیاست‌های تعدیل متمایز می‌شود و آن هم توجه به مفهوم عدالت اجتماعی در عین دستیابی به کارایی اقتصادی است (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۷).

برابری اجتماعی: یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی رهبری مشتمل بر بندهای الف، ب، ج، د، و ه، برابری اجتماعی اعلان شده است. از منظر اقتصادی در حقوق شرکتها، کارآمدی بیشترین اهمیت را دارد در حالی که عدالت به آخرین تاثیر عملکرد یعنی توزیع رفاه نظر دارد (کیای، ۲۰۰۳). در واقع، مفهوم عدالت به دنبال حمایت از عناصر ضعیف‌تر در چرخه عملکرد شرکت‌هاست (کیای، ۲۰۰۳). نهادهای متمرکز، از نظر نسبت

میان منافع کلی مخارج و هزینه‌ها و هزینه‌های مالیاتی و نیز از نظر اثر بخشی تخصیصی کارآمدتر هستند، ولی مساوات‌گرایی آن‌ها به اندازه نهادهای غیر متمرکز نیست (خضری و همکاران، ۱۳۸۴). این مفهوم از سازه ستاده‌های فرآیند از طریق تحقیقات کتاب عدالت بین نسلی (۲۰۰۶)، اپک (۲۰۰۷)، کیای (۲۰۰۳) عملیاتی گردید.

پاسخگویی به نیازهای عمومی: هدف از برنامه ریزی برای بخش عمومی، تلاش برای پاسخ به نیازهای عمومی و به خصوص تامین کالاهای عمومی است. بخش خصوصی نمی‌تواند کالای عمومی تامین نماید و یا گاهی اوقات نمی‌خواهد وارد وادی پرخطر تامین کالای عمومی شود. این رسالت قدیمی دولت‌ها بوده و هست که باید با برنامه ریزی درست و آینده‌نگری بتوانند کالای عمومی را تامین نموده به نیاز مردم پاسخ دهند و درباره کیفیت پاسخ آن نیز جوابگو باشند (آمونس، ۲۰۰۴). در حالی که بخش خصوصی در برنامه ریزی‌های خود در تعقیب سود سهامداران و منافع شرکا می‌باشد در بخش دولتی دغدغه تامین خواسته‌های عمومی و کسب رضایت مردم در اولویت قرار دارد (سیروپولس و تزیوگ کیدیس، ۲۰۱۰). سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی بر تامین نیازهای عمومی، بهبود درآمد خانوارها مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تاکید نموده است. در چارچوب نهادی حاصل از انتخاب عمومی، می‌توان انتظار داشت که تصمیم‌گیران بدون توجه به مفاهیم اعتدال و رفتار عادلانه دستور کار فردی خود را دنبال کنند. بر این اساس، اقتصاد انتخاب عمومی به دنبال توضیح رفتار تصمیم‌گیران، تعاملات میان آن‌ها و پیامدهای این تعاملات برای نتایج بودجه‌ای است.

بر اساس رویکرد انتخاب عمومی، سیاستمداران به دنبال بیشینه سازی قدرت و حفظ مسند خود هستند و از این رو نمی‌توان انتظار داشت آن‌ها در جهت حمایت از منافع گسترده عمومی عمل کنند. بلکه برعکس، سعی می‌کنند برای تقویت پایگاه قدرت و افزایش شانس انتخاب مجدد، نظر مساعد موکلان خود را جلب کنند. این مساله ممکن است باعث شود سیاستمداران برنامه‌های کوتاه مدتی را که نتایج فوری دارند بر پروژه‌های بلند مدتی که منفعت بیش تری دارند، ترجیح دهند. همچنین سیاستمداران بدون توجه به پیامدهای سیاست‌هایشان برای عامه مردم، سعی در پیشبرد منافع حامیان خود دارند. این مساله می‌تواند منجر به تامین مالی برنامه‌هایی از محل درآمدهای مالیاتی شود که به نفع حامیان آن‌هاست و بدین ترتیب هزینه‌های برنامه‌هایی که به نفع تعداد اندکی است بر همه تحمیل شود.

بر اساس این راهبرد، در برنامه ریزی بخش عمومی، سیاستمدار به مخارجی رای می‌دهد که به نفع دیگری است و نماینده مقابل نیز به مخارج پیشنهادی او رای مثبت می‌دهد. این مسئله منجر به افزایش سطح کل مخارج می‌شود و باعث می‌شود میزان تخصیص و حجم کل مخارج عمومی با میزانی که از لحاظ ملی اثربخش است تفاوت چشمگیر دارد (فوزارد، ۲۰۰۱).

این مفهوم از سازه ستاده‌های فرایند از طریق تحقیقات لی و هونگ (۲۰۱۱)، کاندومیر (۲۰۱۱)، پارسونز (روش، ۱۳۹۱) و اسکات، (۲۰۰۳) عملیاتی گردید.

بهره‌وری منابع مالی

بهره‌وری از مفاهیم مهم و در عین حال، مورد اختلافی است که در علوم مختلف و در حین ارائه گزارش‌های عملکرد نیز به تعابیر مختلفی به کار

وری مالی این مقاله با استفاده از نظریه مطرح شده لینا و همکاران می‌باشد.

عقلانیت: در مدیریت، عقلانیت، موضوعی فرارزشی است (تنبسل، ۲۰۰۲)، به این معنی که در مورد اهمیت و مطلوبیت آن بحثی وجود ندارد. مباحثی مانند کنش عقلایی والدو (۱۹۹۵)، تصمیم‌گیری عقلایی سایمون (۱۹۶۰)، سازمان عقلایی وبر (۱۹۶۸) و بازیگر عقلایی استروم (۱۹۷۱) نشانه‌هایی از تمرکز بر روی عقلانیت و خردگرایی در مباحث مدیریت است. عقلانیت به عقیده دیوید تاجر (۲۰۰۴)، راجع به بهترین ابزار دستیابی به هدف نیست بلکه راجع به این است که خود اهداف، چگونه باید باشد. تحقیقات متعددی نشان دادند که نادیده گرفتن عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تدوین برنامه‌ها و قوانین، عاملی برای بروز موانع مختلف در مرحله اجرای خط مشی‌ها شده است (ویتتر، ۱۹۹۰). کاربرد رویکرد خردگرا در بودجه‌ریزی مستلزم پیوند میان ابزار و اهداف سیاست عمومی، یعنی تخصیص منابع و اهداف سیاست هاست. البته نورث (۱۹۹۲)، نهادها را قواعد بازی می‌داند و فرض عقلانیت را رد می‌کند، و ادعا دارد تجربه تاریخی نشان داده است که عقاید، مفروضات، ایده‌تولوژی‌ها و آداب و رسوم مهم بوده و ساختاری ایجاد می‌کنند که بر تصمیم‌نهایی تاثیرگذار است. به کارگیری این رویکرد مستلزم تغییرات بنیادین در ساختار بودجه و فرایندهای سیاست‌گذاری و تخصیص منابع است. عقلانیت به این معنی که طرف معامله، خود می‌تواند منافع اش را تضمین کند و شخص عاقل در معامله‌ای که به نفع او نیست وارد نمی‌شود (داین، ۲۰۰۷). در نظریه منطقی - سیاسی فرض می‌شود که تصمیمات مربوط به تخصیص منابع منطقی است و تعداد کمی از اشخاص کلیدی خبره یا آگاه این تصمیمات را

گرفته می‌شود. برای سنجش موفقیت و بهره‌وری سازمان‌ها و تصمیم‌گیری در مورد قانون یا برنامه، مقیاس‌ها و معیارهای مختلفی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: کارایی، اثربخشی، سود، کیفیت، رشد اقتصادی، رضایت مشتریان و عدالت و ... بهره‌وری را می‌توان در سه سطح فردی که به ارتقا فرد، گروهی که تاکید به مقدار محصول یا تعداد کالا یا ساعات کار و در سطح ملی که رابطه درآمد ملی و هزینه جامعه، رفاه اجتماعی، تعریف کرد (رابینز، ۱۳۹۰ و لی ۲۰۰۱). در برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی، توجه به بهره‌وری عامل مهمی محسوب می‌شود (آنگری و همکاران، ۲۰۱۰). در سازمان‌های بخش عمومی، بر اثربخشی تاکید زیادی می‌شود و برابری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (کلی و سویندل، ۲۰۰۰). در حقیقت، تصمیم‌گیری بخش مهمی از سیاست‌های کلان بخش عمومی، بدون محاسبه و سنجش بهره‌وری، ممکن است گمراه‌کننده باشد (سیمپسون، ۲۰۰۹).

اندازه‌گیری بهره‌وری، وسیله مهمی برای نظارت و کنترل است و سبب ارتقا سطح تصمیم‌ها، بهبود پاسخگویی و اعتماد عمومی است (لی، ۲۰۰۱). پریچارد (۱۹۹۵) بهره‌وری را به سه بخش اصلی تقسیم نموده است: بهره‌وری به عنوان رویکرد اقتصادی، بهره‌وری به عنوان ترکیبی از کارایی و اثربخشی و در نهایت رویکردی گسترده که شامل همه عوامل است که سبب بهبود عملکرد سازمان است. در سطح خرد، بهره‌وری به طور خاص به رابطه بهره‌وری و عوامل تولید، تولید فوری، خروجی و تولید مربوط است (پیستر، ۲۰۰۴). در طبقه بندی دیگری، لینا و همکاران (۲۰۱۰)، توجه به بهره‌وری و سنجش آن را، باتوجه به سنجش اثربخشی، عقلانیت و کارایی مفید دانسته‌اند. مبنای نظری بخش بهره

روابط انسانی، فرآیندهای داخلی توجه می نماید (رابینز، ۱۳۹۰ و شوا و دمدار، ۲۰۱۲). الگوی اثربخشی پارسونز (اسکات، ۲۰۰۳، و روشه، ۱۳۹۱) بر چهار ویژگی اثربخشی بودن به این ترتیب تأکید نموده است؛ انطباق یعنی تخصیص منابع کافی، نیل به هدف یعنی تعیین هدف و اجرا آن، انسجام یعنی ایجاد هماهنگی و همکاری بین واحدهای فرعی و اصلی، تداوم و حفظ الگوهای فرهنگی به معنی ایجاد و حفظ فرهنگ و ارزش های خاص نظام.

کارایی: کارایی، چتر مفهومی گسترده ای است که بیشترین تحلیل و کاربرد را در حوزه های مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیدا نموده است. چارچوب نظری کارایی توسط فارل (۱۹۵۷) مطرح گردیده است البته ایشان فقط به تعریف کارایی تخصیصی پرداخت. پژوهشگر دیگری به نام جوردی (۱۹۸۵) نیز در چند سال بعد، مدل دیگری در مورد کارایی تخصیصی (قیمتی) ارائه نمود. اما داگلاس نورث (۱۹۹۲) اقتصاددان نهادگرا، کارایی را به دو نوع کارایی تخصیصی و کارایی انطباقی دسته بندی نموده است که مبنای کار در پژوهش حاضر، این تقسیم بندی می باشد.

کارایی تخصیصی: به معنی ترکیبی از عوامل تولید است که دربرگیرنده حداقل هزینه (مدیریت هزینه) برای سازمان را در پی داشته باشد (جوردی، ۲۰۰۴). در حقیقت، در این ترکیب، ترکیب بهینه عوامل تولید است که با توجه به قیمت عوامل تولید تعیین می گردد. کارایی تخصیصی دارای دو بعد کیفی و کمی است که بعد کیفی آن به اثربخشی و بررسی کمی آن به کارایی منتهی می گردد باقرزاده، (۱۳۸۶). بررسی عملکرد کشورهایی که طی سال های اخیر به رشد اقتصادی قابل ملاحظه ای

می‌گیرند (هاکمن، ۱۹۸۵). نظریه منطقی بر عواملی مانند اندازه، بازدهی، کیفیت، مأموریت گرایی تأکید دارد. در این پژوهش، توجه به مفهوم عقلانیت بر اساس دیدگاه اسنلن (۲۰۰۲) می باشد که به عقلانیت اقتصادی؛ یعنی ابزار توانایی در پاسخ به نیازهای عمومی، عقلانیت سیاسی؛ یعنی مشارکت جامعه در حل مسائل عمومی و وجود ثبات نسبی در وجود تصمیم گیرندگان مسائل عمومی، عقلانیت قانونی؛ به معنی اتکا به قوانین در تصمیم گیری و عقلانیت حرفه ای؛ به معنی به کارگیری دانش عملی در مورد تصمیم ها و اقدامات اشاره دارد، دسته بندی شده است.

اثربخشی هزینه: اثربخشی، انجام کارهای درست است که سازمان را به اهداف و نتایج تعیین شده می رساند (دفت، ۱۳۹۰). در اثربخشی فردی به مواردی مانند انعطاف پذیری، کسب درآمد و ارتقا سازمانی توجه می شود و اثربخشی سازمانی از عواملی مانند تأمین اهداف سازمانی، دستیابی به نتایج تعیین شده و اثربخشی در سازمان های عمومی را از طریق میزان رضایت مردم، کسب اعتماد و اطمینان و ترویج برابری در فرصت ها می سنجند (شیوا و دمدار، ۲۰۱۲). رابینز (۱۳۹۰) در تعریف اثربخشی هم به وسایل و امکانات (فرایند) توجه نموده و هم به نتایج حاصله از کار و فعالیت. رویکردهای مختلفی برای اندازه گیری اثربخشی وجود دارد از جمله؛ رویکرد تحقق اهداف که بر بهره وری و کارایی تأکید دارد (دفت، ۱۳۹۰؛ رابینز، ۱۳۹۰؛ مقیمی، ۱۳۹۰). رویکرد سیستم منع، توانایی در کسب منابع و نگهداری از محیط داخلی و ارتباط آن با محیط خارجی (میسکل، ۲۰۱۱). رویکرد ذینفعان تمایل به کنترل منابع دارد و به محیط سیاسی فکر می کند و به رضایت مردم توجه می نماید (رابینز، ۱۳۹۰ و شوا و دمدار، ۲۰۱۲) و رویکرد ارزش های رقابتی به اهداف عقلایی،

رسیده اند نشان می‌دهد که اکثر این کشورها، رشد خود را از طریق ارتقا کارایی تخصیصی و نه سرمایه‌گذاری به دست می‌آورند و از طرفی نتایج نشان می‌دهد که صنایع رقابتی نسبت به صنایع انحصاری از کارایی تخصیصی بالاتری برخوردار هستند (امامی میبیدی، ۱۳۸۴). سطح معین تولید، عوامل تولید، ترکیب بهینه و حداقل هزینه از مفاهیم مرتبط با کارایی تخصیصی هستند. به توجه به تحقیقات انجام شده، می‌توان بیان نمود ارتقا سلامت بازار، ایجاد شرایط رقابت و برقراری آرامش و حفظ تعادل سرمایه، از الزامات دستیابی به کارایی تخصیصی خواهد بود (باقرزاده، ۱۳۸۶).

کارایی انطباقی: این نوع کارایی، راهنمای سیاست اقتصادی است زیرا کارایی تخصیصی، مفهومی را که در یک سازمان نهادی معین است، در حالی که عامل اصلی استمرار عملکرد اقتصادی مناسب، وجود یک قالب نهادی منعطف جهت مواجهه با تغییرات تکنولوژیک و جمعیتی و فشار وارده بر نظام اقتصادی است (نورث، ۱۹۹۳). طبق نظریه نورث (۱۹۹۳)، کارایی انطباقی، عامل اصلی رشد بلندمدت اقتصادی اعم از بخش عمومی، است. با وجود کارایی انطباقی، نظام‌های اقتصادی، به ساختارهای نهادی انطباق پذیر و تکامل یافته‌ای دست می‌یابند که می‌توانند در برابر تکانه‌ها و دگرگونی‌ها مقاومت نمایند. در حقیقت، رشد، هنگامی پدید می‌آید که اقتصاد، انگیزه‌های نهادی برای پیشبرد فعالیت‌های مولد روبه‌رشد را فراهم کند (چاونس، ۱۳۹۰). البته در ارتباط با جنبه ساختاری بخش دولتی باید خاطر نشان ساخت؛ با وجود آن که تغییر ساختاری همواره از اولویت بالایی برخوردار بوده است، با وجود

این نتایج حاصله معمولاً در مقایسه با تلاش‌های صورت گرفته چندان قابل توجه نبوده است. آگبرگ، تحقیقاتی را در مورد تغییرات برنامه ریزی شده نهادها و ساختارها در بخش دولتی مورد بررسی قرار داده است و جورجسن نیز این مطالعه را در بخش دولتی انجام داده و در بعضی از کشورهای اروپایی مانند دانمارک تحلیل نموده است. مکافه و ریچاردز (۱۹۸۴) نیز وجود نهادها و نقش آن‌ها را در برنامه ریزی بخش دولتی مطالعه نموده و تأثیرات آن را در برنامه ریزی مورد تأیید قرار داده‌اند. نتایج تخصیصی فرایند برنامه ریزی مالی بخش عمومی به ترتیبات نهادی تصمیم‌گیری بستگی دارد. شناخت این ترتیبات برای درک تصمیم‌گیری بودجه‌ای در دولت و قوه مقننه و نتایجی که ایجاد می‌شود، سودمند است. اقتصاددانان رویکرد انتخاب عمومی دو گونه ترتیب نهادی متمرکز و غیر متمرکز را شناسایی و ارائه می‌کنند و فرصت تصمیم‌گیری دموکراتیک را کاهش می‌دهند و منافع اقلیت را در نظر نمی‌گیرند. این نهادها با سخت‌گیری مالی و تلاش برای ایجاد بودجه‌هایی که به نفع اکثریت باشد، فرصت چندانی برای تعقیب منافع اقلیت باقی نمی‌گذارند. ویژگی‌های نهادهای غیر متمرکز دقیقاً عکس نهادهای متمرکز است. آن‌ها تصمیم‌گیری دموکراتیک را تقویت می‌کنند و با افزایش قدرت منافع اقلیت، منجر به تضعیف انضباط مالی و افزایش سهم اقلیت‌ها در هزینه‌ها می‌شوند (خضری، قاسمی و لامعی، ۱۳۸۴).

۳- فرضیه‌های پژوهش

(۱) اثربخشی هزینه بر تخصیص منابع اثر مثبت دارد.

استاندارد تعریف شده کندال، چنانچه تعداد پرسشنامه‌ها از بیست برابر تعداد متغیرها بیشتر باشد کفایت نمونه حاصل می‌شود، تعداد نمونه پذیرفته شد.

با توجه به نوع پژوهش و ساختار ارتباطی متغیرها در مدل مفهومی، برای ارزیابی فرضیه‌های ساخته شده و ارتباط تعریف شده بین متغیرها، از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. با به کارگیری این روش می‌توان آزمون تاییدی مدل‌های قبلی و اعتبار روابط بین مجموع متغیرها را درون ساختار نظری امکانپذیر نمود. همچنین به منظور سنجش مدل اندازه‌گیری و عامل‌های فرضیه بندی شده، از تحلیل عامل تاییدی استفاده شد. مدل معادلات ساختاری، نشان می‌دهد تا چه حد، شاخص‌های اندازه‌گیری برای شناسایی سازه‌های فرضیه‌ها ترکیب شده‌اند. در این شرایط، ارتباط بین شاخص و سازه تایید می‌شود و سپس، اعتبار سازه تایید می‌گردد. اندرسون و گرینگ (ارتتا و جیاچتی، ۲۰۰۴) ساخت مدل دو مرحله‌ای را پیشنهاد کرده‌اند که بر تجزیه و تحلیل دو مدل مفهوم سازی شده مجزا را مورد تاکید قرار می‌دهد؛ مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری. مدل اندازه‌گیری یا مدل عاملی، ارتباط میان شاخص‌های اندازه‌گیری و متغیرهای مدل را نشان می‌دهد و مدل ساختاری ارتباط میان متغیرهای مدل تحقیق را نشان می‌دهد. مدل اندازه‌گیری ارزیابی همگرایی و اعتبار تفکیکی، و مدل ساختاری، ارزیابی روابط فرضیه‌ها را امکانپذیر می‌نماید. برای برآزش مدل‌ها از روش درست‌نمایی حداکثر، استفاده می‌شود و ماتریس واریانس کواریانس داده‌ها به عنوان اطلاعات ورودی وارد مدل شد. ، نیاز به برقراری نرمال

- ۲) اثربخشی هزینه بر مخارج عمومی اثر مثبت دارد.
- ۳) اثربخشی هزینه بر عقلانیت اثر مثبت دارد.
- ۴) کارایی انطباقی بر عقلانیت اثر مثبت دارد.
- ۵) کارایی تخصیصی بر عقلانیت اثر مثبت دارد.
- ۶) کارایی تخصیصی بر تخصیص منابع اثر مثبت دارد.
- ۷) کارایی تخصیصی بر مخارج عمومی اثر مثبت دارد.
- ۸) عقلانیت بر تخصیص منابع اثر مثبت دارد.
- ۹) عقلانیت بر مدیریت مخارج عمومی اثر مثبت دارد.
- ۱۰) تخصیص منابع بر برابری اجتماعی اثر مثبت دارد.
- ۱۱) تخصیص منابع بر نیازهای عمومی اثر مثبت دارد.
- ۱۲) - مخارج عمومی بر برابری اجتماعی اثر مثبت دارد.
- ۱۳) - مخارج عمومی بر نیازهای عمومی اثر مثبت دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، توسعه‌ای و از نظر تقسیم بندی کلی، توصیفی است و استراتژی تحقیق، پیمایشی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، کارشناسان بودجه شاغل در بخش بودجه بندی سازمان‌های مرتبط با بودجه هستند که عمده آن‌ها در سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت اقتصاد دارای مشغول به کار بودند. با توجه به متغیر بودن تعداد کارشناسان و عدم آگاهی دقیق از آن‌ها، تعداد ۴۵۰ پرسشنامه در مدت سه ماه توزیع گردید و تعداد ۳۸۱ پرسشنامه تکمیل شده برگشت داده شد. طبق

روایی پژوهش و ابزار آن از طریق اظهار نظر خبرگان تایید شده است و پایایی از طریق آلفای کرونباخ بررسی گردیده است. با توجه به این نکته که نرمال بودن توزیع داده‌ها پیش شرط لازم می‌باشد این بررسی از طریق چولگی و کشیدگی انجام گرفته است.

برای ارزیابی فرضیه‌های فوق در قالب مدل مفهومی، نیاز به پردازش مدل تحلیل مسیری است تا بر اساس این مدل جنبه‌های زیر مشخص گردد: ۱- آیا مدل نظری ارائه شده، بر اساس داده‌ها نیز تایید می‌شود؟ ۲- آیا ضرایب تعریف شده برای مدل معنی دار است یا در واقع آیا هر یک از روابط تعریف شده تاثیر معنی دار متغیر علت را بر متغیر معلول نشان می‌دهند؟

همانطور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود باتوجه به این که مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای تمام متغیرها بیش از ۰/۷ می‌باشد، پایایی مقیاس‌ها در سطح مطلوبی تایید می‌شود. کشیدگی کلیه داده‌ها از ۱۰ کمتر و مقادیر مطلق کلیه داده‌ها برای چولگی از ۳ پایین‌تر است که نشان دهنده نرمال بودن توزیع داده‌هاست.

بودن توزیع داده‌ها از پیش نیازهای این مدل است که در عمل به صورت تک متغیره و با بررسی مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها بررسی می‌شود. مقادیر مطلق پایین‌تر از ۳ برای چولگی و مقادیر پایین‌تر از ۱۰ برای کشیدگی دلیل نرمال بودن توزیع داده‌ها را ارائه می‌دهد (سچنس‌لین، ۲۰۰۰ و بسانت و همکاران، ۲۰۰۱). پس از برآزش مدل‌ها، بررسی کفایت مدل برای بررسی روابط یعنی معنی داری ضرایب ضروری است که برای این منظور، از شاخص‌های برآزش CFI, RMSEA, IFI, NFI استفاده شده است. پس از تایید برآزش مدل نظری بر اساس داده‌ها، روابط تعریف شده از لحاظ معنی داری و ارزیابی فرضیه‌های پژوهشی، مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل آماری توسط لیزرل ۸/۸ و اس‌پی‌اس اس ۱۵ انجام گرفته است. p-Value کمتر از ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد.

۵- نتایج پژوهش

آزمون نرمال بودن و پایایی

جدول ۴- میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی و آلفا کرونباخ متغیرها

متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	آلفای کرونباخ
اثربخشی هزینه	CE	۳/۰۸	۰/۴۲	-۰/۲۶	۰/۷۳۶
کارایی انطباقی	AE1	۳/۱۳	۰/۳۹	-۰/۱۹	۰/۸۴۱
کارایی تخصیصی	AE2	۲/۹۹	۰/۶۷	-۰/۲۱	۰/۸۰۸
عقلانیت	R	۳/۶۵	۰/۷۷	-۰/۲۴	۰/۷۸۴
تخصیص منابع	RA	۳/۷۲	۰/۵۹	-۰/۲۰	۰/۷۴۵
مخارج عمومی	PC	۳/۳۳	۰/۶۳	-۰/۲۲	۰/۸۳۳
تقاضای عمومی	PD	۳/۱۹	۰/۴۸	-۰/۲۳	۰/۸۲۹
برابری اجتماعی	SE	۳/۴۳	۰/۵۵	-۰/۱۸	۰/۸۷۵

برازش مدل مفهومی به داده ها

شاخص کای دو به درجه آزادی آن برای هر دو مدل اندازه گیری و ساختاری، مساوی ۲/۱۶ می باشد که کوچکتر از ۵ است و دلیلی برای برازش مدل است. در عین حال، شاخص های برازش $NFI=0/94$ و $CFI=0/91$ می باشد که بزرگتر از ۰/۹ و ۰/۰۳۳ = $RMSEA$ که کوچکتر از ۰/۰۸ و $RMSR = 0/061$ می باشد که کوچکتر از ۰/۱ هستند و همه شاخص ها اعتبار مدل ها را تایید می نمایند.

ضرایب مسیر و نتایج آزمون معنا داری

جدول شماره ۵ نتیجه بررسی فرضیه ها را نشان می دهد. در جدول شماره ۵ دو شاهد ارائه داده شده است که هیچ کدام از فرضیه های پژوهش، رد نشده

است؛ الف: مقدار P-value همه روابط ۰/۰۵ کوچک تر است و ب؛ مقدار t به دست آمده تمامی روابط که در جدول نشان داده شده است از مقدار بحرانی آن بیشتر است. بنابراین، هیچکدام از فرضیه های پژوهش رد نشده است.

با توجه به داده های جدول شماره ۶، سطح معنی داری زیر ۰/۰۵ نشان می دهد که آزمون فریدمن یا همان رتبه بندی چهار متغیر موثر بر برنامه ریزی مالی، تفاوت معنی دار بین آن ها را نشان داده و رتبه ی اهمیت آن ها نیز در ستون سوم آمده است. آن چه در این جدول مشخص است این است که عقلانیت بالاترین و کارایی تخصیصی پایین ترین رتبه اهمیت را دارد.

جدول ۵- ضرایب مسیر و نتایج آزمون معنا داری

شماره فرضیه	فرضیه ها	روابط نمادهای متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره T	P-value
۱	تاثیر اثربخشی هزینه بر تخصیص منابع	CE->RA	۰/۶۸	۰/۱۱	۳/۲۵	۰/۰۰۱
۲	تاثیر اثربخشی هزینه بر مخارج عمومی	CE->PC	۰/۷۳	۰/۰۹	۳/۶۷	۰/۰۰۳
۳	تاثیر اثربخشی هزینه بر عقلانیت	CE->R	۰/۷۲	۰/۱۲	۳/۱۹	۰/۰۰۰
۴	تاثیر کارایی انطباقی بر عقلانیت	AE1->R	۰/۶۹	۰/۱۷	۳/۷۶	۰/۰۰۴
۴	تاثیر کارایی تخصیصی بر عقلانیت	AE2->R	۰/۸۳	۰/۱۱	۴/۵۶	۰/۰۰۰
۶	تاثیر کارایی تخصیصی بر تخصیص منابع	AE2->RA	۰/۸۹	۰/۱۰	۲/۹۶	۰/۰۰۰
۷	تاثیر کارایی تخصیصی بر مخارج عمومی	AE2->PC	۰/۵۷	۰/۱۳	۴/۱۱	۰/۰۰۲
۸	تاثیر عقلانیت بر تخصیص منابع	R->RA	۰/۹۴	۰/۱۱	۳/۰۸	۰/۰۰۰
۹	تاثیر عقلانیت بر مدیریت مخارج عمومی	R->PC	۰/۸۸	۰/۱۴	۳/۱۴	۰/۰۰۸
۱۰	تاثیر تخصیص منابع بر برابری اجتماعی	RA->SE	۰/۷۱	۰/۱۲	۲/۷۶	۰/۰۰۵
۱۱	تاثیر تخصیص منابع بر نیازهای عمومی	RA->PN	۰/۷۶	۰/۱۵	۲/۹۱	۰/۰۰۰
۱۲	تاثیر مخارج عمومی بر برابری اجتماعی	PC->SE	۰/۸۹	۰/۰۸	۴/۰۸	۰/۰۰۱
۱۳	تاثیر مخارج عمومی بر نیازهای عمومی	PC->PN	۰/۷۸	۰/۱۱	۳/۴۳	۰/۰۱۲

جدول شماره ۶: نتایج آزمون فریدمن برای عوامل موثر بر برنامه ریزی مالی

مولفه ها	میانگین	رتبه اهمیت	داده های آماری
اثربخشی هزینه	۳/۰۸	۳	تعداد نمونه: ۳۸۱
کارایی انطباقی	۳/۱۳	۲	آماره کای دو: ۲۹۴/۷۰۷
کارایی تخصیصی	۲/۹۹	۴	درجه آزادی: ۳
عقلانیت	۳/۶۵	۱	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰

۶- نتیجه‌گیری و بحث

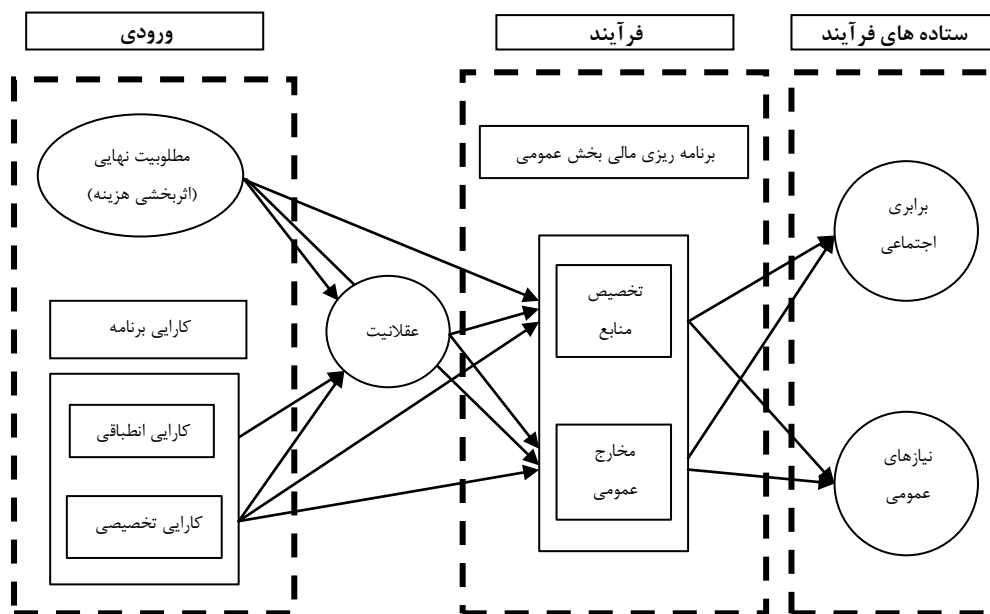
در تحقیق حاضر با توجه به رویکرد بهره‌وری مالی در شکل‌گیری برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی، تلاش شد که الگوی برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی بر مبنای شاخص‌های بهره‌وری مالی و رابطه آن با ستاده‌های فرآیند برنامه‌ریزی ارائه و آزمون شود. در این قسمت بر اساس نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل آماری، نتیجه‌گیری کلی انجام می‌شود. الگوی پژوهش به طور کلی بر اساس شاخص‌های برآزش بدست آمده از نرم افزار لیزرل از برآزش خوبی برخوردار است و تایید می‌شود. بنابراین می‌توان چنین بیان نمود که شاخص‌های بهره‌وری مالی در نحوه برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی موثرند و همچنین هر دو بعد برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی؛ یعنی تخصیص منابع و مدیریت هزینه نیز به بهبود ستاده‌های فرآیند کمک می‌نماید. در ارتباط با روابط میان متغیرهای مدل، اولین نتیجه درارتباط با اثر مثبت اثربخشی هزینه و عقلانیت است که نتیجه فوق‌نشان می‌دهد که اثربخشی هزینه ابزار مهمی در تدوین برنامه مالی بخش عمومی است به همین دلیل جهت دقت و کارایی برنامه‌های مالی باید اثربخشی هزینه و مطلوبیت نهایی هرکدام بر اساس ابزارهای خاصی مورد توجه قرار گیرند. نتیجه پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های شیوا و دماذر (۲۰۱۲)، روبرت (۲۰۰۴) و میسکل (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

دومین نتیجه در ارتباط با تاثیر مثبت بعد کارایی انطباقی از کارایی مالی بر عقلانیت است که نتیجه فوق‌نشان می‌دهد که یکی از راه‌های افزایش عقلانیت استفاده از ساختارها و نهادها است که قابلیت مدیریتی بالایی در جهت پیش‌بینی و تجسم

نقایص و فرصت‌ها را دارا هستند و همچنین سازمان باید به طور هوشمندانه نسبت به اداره نهادها و ساختارها حساس باشد. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های شیانوکامپو و توماسی (۱۳۸۹) و لی (۲۰۰۱) و با نظریه هاکمن (۱۹۸۵) و ویلدوسکی (۱۹۷۴) همسو می‌باشد.

سومین نتیجه تحقیق مرتبط با ارتباط مثبت بعد کارایی تخصیصی از کارایی مالی و عقلانیت است که براساس این نتیجه بدست آمده، فرضیه مرتبط با ارتباط مثبت کارایی تخصیصی و عقلانیت تایید می‌شود. نتیجه پژوهش گادری (۱۹۸۸) و جوردی (۱۹۸۵) و سیف و کمالی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. این بدین معنی است که توانایی بررسی امکان شدنی بودن فرصت‌ها در درون زمینه شرکت بر اساس منابع و قابلیت‌ها و همچنین توانای عملی‌سازی و ارتباط متقابل میان قابلیت‌های متفاوت یکی از قابلیت‌های عقلانیت است که همانطور که در تعریف کارایی مالی، کارایی تخصیصی به وجود این قابلیت در انواع اقتصادی، سیاسی، حرفه‌ای و .. می‌پردازد.

چهارمین نتیجه مربوط به اثر مثبت عقلانیت بر برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی است که این نتیجه نشان می‌دهد که یکی از عواملی که به تدوین برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی کمک می‌کند، همان خردگرایی؛ یعنی توانایی برنامه‌ریزان بخش عمومی در به کارگیری شاخص‌های دقیق و معیارهای سنجیده‌مانند اثربخشی هزینه و کارایی به برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی کمک می‌نمایند. نتایج پژوهش با تحقیقات پیستر (۲۰۰۴) و لینا و همکاران (۲۰۱۱) و سیمپسون (۲۰۰۹) می‌باشد.



شکل شماره ۱- الگوی برنامه ریزی مالی با رویکرد بهره‌وری مالی

نتیجه نهایی در ارتباط با اثر مثبت برنامه ریزی مالی بخش عمومی بر روی کیفیت و کارایی ستاده‌های فرآیند برنامه ریزی است. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های آمونس (۲۰۰۴)، فوزارد (۲۰۰۰)، فینک (۲۰۱۱) و کیای (۲۰۰۳) همسو می‌باشد. بر اساس این نتیجه می‌توان بیان نمود که برنامه ریزی مالی بخش عمومی عامل مهمی در جهت بهبود برابری اجتماعی و مخارج عمومی است و برنامه ریزان به منظور بهبود ستاده‌های فرآیند برنامه ریزی بایستی دقت برنامه ریزی مالی بخش عمومی را افزایش دهند که منطبق بر الگوی ارائه شده افزایش دقت و بهبود نتایج نیز وابسته به ارتقا دیگر عوامل بهره‌وری مالی از جمله عقلانیت، کارایی و اثربخشی هزینه است. بر اساس نتایج آماری بدست آمده می‌توان الگوی زیر را به عنوان الگوی نهایی تحقیق معرفی نمود.

پنجمین نتیجه مرتبط با اثر مثبت اثربخشی هزینه بر برنامه ریزی مالی بخش عمومی است که نتیجه فوق با مطالعه فوزارد (۲۰۰۱)، ملادکر (۲۰۱۲) و نظریه جونز (۱۹۱۱) سازگار است که این نتیجه نشان می‌دهد که مطلوبیت نهایی و اثربخشی هزینه عامل مهمی در دستیابی برنامه ریزی مالی بخش عمومی است، برای افزایش دقت برنامه ریزی مالی بخش عمومی و کیفیت برنامه‌ها و تصمیمات بایستی بر روی اثربخشی هزینه تاکید بیشتری گردیده و در تدوین برنامه‌ها به شاخص‌های مطلوبیت نهایی و اثربخشی هزینه توجه بیشتری شود.

نتیجه ششم مرتبط با عدم اثر مثبت بعد کارایی تخصیصی بر برنامه ریزی مالی بخش عمومی است که نتیجه فوق فرضیه مرتبط با تاثیر مثبت بعد کارایی تخصیصی و برنامه ریزی مالی بخش عمومی را رد می‌کند. البته این نتیجه با نتیجه پژوهش‌های ریچارد (۱۹۹۵) و آگری و همکاران (۲۰۱۰) همسو نیست اما با نظر داین (۲۰۰۷) و شیوا و دمادر (۲۰۱۲) همسو می‌باشد.

فهرست منابع

- * اسکات، ریچارد (۲۰۰۳)، سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز، ترجمه حسن میرزایی اهرنجان‌ی (۱۳۸۷)، تهران: سمت.
- * امامی میبدی، علی (۱۳۸۴)، اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش بازرگانی.
- * باقرزاده، علی (۱۳۸۶)، نظریه کارایی اقتصادی و کاربردهای آن، تهران: نشر آزاد.
- * توفیق، فیروز (۱۳۸۲)، امکان‌سنجی تهیه بودجه اقتصادی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، از مجموعه بودجه ریزی در ایران، گزارش دوم.
- * چاونس، برنارد (۱۳۹۰)، اقتصاد نهادی ترجمه محمود متوسلی، انتشارات سمت.
- * حسینی، سید شمس‌الدین و شفیع، افسانه، ۱۳۸۷، الزامات اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مجلس و پژوهش، سال ۱۵، شماره ۶۰.
- * خضری، محمد، قاسمی، محمد و لامعی، بهزاد (۱۳۸۴)، درآمدی بر مبانی نظری بودجه، مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۴۷، تابستان.
- * دانش فرد، کرم اله، (۱۳۹۲)، مبانی خط مشی‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات نیاز دانش.
- * دانش فرد، کرم اله، (۱۳۹۴)، فرآیند خط مشی‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات صفار.
- * دانش فرد، کرم اله و حسن قزلباش (۱۳۸۹)، رابطه پاسخگویی و برنامه ریزی دولت با تفریغ بودجه، حسابداری مدیریت، شماره ۳، بهار.
- * دفت، ریچارد ال (۱۳۹۰)، مبانی تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- * رابینز، استیفن پی (۱۳۹۰)، تئوری سازمان، ساختار و طرح سازمانی، ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: صفار.
- * روشه، گی (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.
- * سیف، اله مراد و کمالی، روزبه (۱۳۹۲)، الگوی کارایی تخصیصی و انطباقی در اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان.
- * شیانو کامپو، سالواتور و توماسی، دانیل (۱۳۸۹)، مدیریت هزینه‌های عمومی، ترجمه محمد قاسمی و بهزاد لامعی، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- * فورزاد، آدرین، ۲۰۰۱، درآمدی بر مبانی نظری بودجه ریزی، ترجمه و تلخیص دکتر محمد خضری و بهزاد لامعی، مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۴۷.
- * فیدلر، فرد و شمرز، مارتین (۱۳۸۱)، "هبری اثربخش"، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب.
- * کوایمان، جان و جل. الیاسن، ۱۳۷۰، ترجمه عباس منوریان، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- * مقیمی، سید محمد و رمضان، مجید (۱۳۹۰)، "پژوهشنامه مدیریت"، جلد ۱، تهران: انتشارات راه دان.
- * نعمتی، محمد، ۱۳۸۷، تغییر ساختار مدیریت بخش نفت؛ الزامی مهم در تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مجلس و پژوهش، سال ۱۵، شماره ۶۰.
- * نویخت، محمدباقر، ۱۳۹۱، مدل مفهومی اصلاح ساختار نظام بودجه ریزی کشور، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال اول، شماره دوم.

- Elements of Normative Personality. Paper Presented at IACCM 2011, Ruse Bulgaria Revision, 20, 1-27.
- * Fisk, D. (1983). Measuring productivity in State and Local Government, Bulletin 2166, U.S. Department of Labor, Bureau of Labor Statistics. Washington, DC: U.S. Government Framework for Evaluating Natural Resources Management Policies.
 - * Fozard A. (2001). The Basic Budgeting Problem: Approaches to Resource Allocation in the Public Sector, Centre for Aid and Public Expenditure, London.
 - * Gadrey, J. (1988). Rethinking Output in services, The Service Industries Journal, Vol. 8 No. 1, and pp: 67-76.
 - * Galbraith, John Kenneth (1967). The New Industrial State, Boston, Houghton Mifflin Company.
 - * Hack man, J. (1985). Power and Centrality in the Allocation of Resources in Colleges and Universities. Administrative Science Quarterly, 30.
 - * Handbook of intergenerational justice (2006). Edited by Joeg Chet Tremmel.
 - * Hirschman, A (1973). Voice and Loyalty. Cambridge, MA: Harvard University Press.
 - * Holzer, M. & K. Callahan (1998). Government at Work: Best Practices and Model Programs, Thousand Oaks, CA: Sage. <http://www.dol.state.nc.us.International> Journal of Public Sector Management Vol.233 No.3,2010PP:300-320
 - * Hong, L., & Lee. C.(2010).Efficiency in the Malaysian water Industry: A DEA and Regression, Nottingham University Business School University of Nottingham, Malaysia Campus Analysis.
 - * Hunter, S., Bedell-Avers, K., & Mumford, M. (2007). The Typical Leadership Study: Assumptions, Implications, and Potential Remedies, The Leadership Quarterly, 18(5), 435° 446.
 - * James, E. (1990). Decision Process and Priorities in Higher Education. In S. H. Hoenack & E. L. Collins (Eds.). The Economics of American Universities: Management, Operations, and Fiscal Environment. Albany, NY: SUNY Press.
 - * Jevons, William Stanley (1911). The theory of Political Economy; New York, Kelly and Macmillan.
 - * Jongbloed B, Koelman J, (2000). Vouchers for Education for Higher Education? A Survey of the Literature Commissioned by the Hong Kong University Grant Cmmitee
 - * ویلدا ویسکی، آرون، ۱۳۷۶، بودجه بندی؛ یک تئوری تطبیقی فرآیندهای بودجه ای، ترجمه مسعود محمدی، سازمان برنامه و بودجه
 - * Aggrey, N., L., Eliab and S. Joseph (2010). Human Capital and Labor productivity in East African Manufacturing Firms, Current Research Journal of Economic Theory 2(2):48-54.
 - * Allan, N. & Hertal, T. (1999). Future Developments in Global livestock and Grains Markets: The Impacts of Livestock Productivity Convergence in Asia/Pacific, Presented to the 43rd Annual Conference of the Australian Agricultural and Resource Economics Society, Christchurch, Newzland. Bwlin, W. (1998). Measuring performance: An introduction to Data Envelopment Analysis (DEA). Journal of Cost Analysis, 15(2).
 - * Ammons, D.(2004). productivity barriers in the public sector, in holzer, M. and seok-Hwan, L.(Eds), public productivity Handbook, 2nd ed., Marcel Dekker Inc., New York, NY.
 - * Back Jorgenson, T. (1985). The Management of Survival and Growth in the Public Organization; paper presented at the ECPR joint Sessions of Workshops 25-30 March, Barcelona, Spain.
 - * Bates, T.C. & Rock, A.(2004). Personality and information processing speed: Independent influences on intelligent Performance. Intelligence, 32, 33-46
 - * Caiden, A. And Wildavsky, A. (1974). Planning and Budgeting in poor Counteries, New York: Wily and Sons.
 - * Candemir, M. (2011). Technical efficiency and total factor productivity growth in the hazelnut agricultural sales cooperatives unions in turkey, Mathematical and Computational Applications, 16(1), 66-76.
 - * Dine, J (2007). Company law, Sweet & Maxwell Press.
 - * Drucker, P. (1963). Managing for business effectiveness, Harvard Business Review, May-June, pp:58-65
 - * Economist (20 September 1997) the Future of the State: A Survey of the World Economy.
 - * Farrell, M.G. (1957). The Measurement of Productivity Efficiency. Journal of the Royall Statistical Society, 120(3), pp.253-290.
 - * Fink, G., Yolles. M. (2011). Understanding Organizational Intelligences as Constituting

- <http://ecowpa.repec.org/eps/eh/papers/9309/9309002.pdf>.
- * North, D.C. (1992). Transaction Cost, Institutions, and Economic Performance; an International Center for Economic Growth Publication.
 - * OPEC (2007). Who Gets What From Imported Oil?
 - * Ostrom, V. (1971). Public Choice: A Different Approach to the Study of Public Administration; Public Administration Review, March-April, Vol. 31.
 - * Pritchard, R.D. (1995). Productivity Measurement and Improvement: Organizational Case Studies, Praeger publishers, Westport, CT. productivity analysis, Industrial management & Data system, Vol 104, productivity Handbook , edited by : Holzer , united state. Programs, Land and Water Research Development Corporation.
 - * Roberts, A.R. (2004). Nonmonetary Incentives for productivity Enhancement, in Holzer, M. and seok-Hwan, L. (Eds), Public productivity Handbook, 2nd ed., Marcel Dekker Inc., New York, NY.
 - * Nonaka s viewpoint, Journal of Knowledge Management, 11(3), 6° 15.
 - * Schick, A. (1981). Congress and Money, Washington, D.C.: Urban Institute.
 - * Shiva, M., Damodar, S. (2012). Transformational Leadership, Organizational Culture, Organizational Effectiveness, and Programme Outcomes in Non-Governmental Organizations. Social Services and Welfare, 23, 684-710.
 - * Simon, H.A. (1960). The New Science of Management, New York: Perntice Hall.
 - * Simpson, H. (2009). productivity In Public Services, Journal of Economic Surveys (2009) Vol.23, No.2, pp:250° 276.
 - * Siriopoulos C. & Tziogkidis P. (2010). How Do Greek Banking Institutions React after Significant Events? A DEA Approach. Omega Journal, Special Issue in the EU Banking Sector and the Financial Crisis'' , 38(5).
 - * Slaughter, S. (1993). Retrenchment in the 1980s: The Politics of Prestige and Gender. Journal of Higher Education, 64.
 - * Snellen, I (2002). Conciliation of Rationalities: The Essence of Public Administration; Administrative Theory and Practice, Vol. 24, No. 2.
 - * Tenbensen, T. (2002). Assessing the Relative merits of policy Commitment: It is Possible for Policy Makers to Use Rich Center for Higher Education Policy Studies; Report No. C0BJ308.
 - * Jodri, A.M (2004). Formulation and Estimation of Efficiency for Production Function Models; Journal of Econometrics.
 - * Keay, Andrew (2003). Directors Duties to Creditors, Modern Law review, Vol. 66.
 - * Kelly ,G.M & D. Swindell (2000). Service Quality Variation Across Urban Space : First Steps Toward a Model of Satisfaction , Journal of Urban Affairs, Vol 24, No3, PP:271-288.
 - * Lee, J. (2001). A Grounded Theory : Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
 - * Leung, Danny, Cesaire Meh, and Yaz Terajima (2008). Firm Size and Productivity, **Bank of Canada Working Paper**. 2008-45
 - * Linna Paula; Sanna Pekkola; Ukko Juhani and Melkas Helina. (2010). Defining and measuring Productivity in the Public sector: managerial Perceptions , International Journal of Public Sector Management Vol.23 No . 3, 2010 PP: 300-320.
 - * Mabey, C., Kulich. C. & Lorenzi-Cioldi. F. (2012). Knowledge leadership in global scientific research, The International Journal of Human Resource Management, 23(12), 2450-2467.
 - * Marx, Karl (1909). Capital, Trans. Samuel Moore, Edward Aveling and Ernest Utermann, 3 Vols, Chicago: Karr.
 - * McLaughlin, C.P. And S. Coffey. (1992). Measuring Productivity in services, in Lovelock, C.H. (Ed.), Managing Services: Marketing, Operations, and Human Resources, 2nd ed., prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ, pp: 103-17.
 - * Metcalfe, Les & Richards, Sue. (1984). the Impact of the Efficiency Strategy: Political Clout or Cultural Change, Public Administration, 62 (4).
 - * Mladkova, L. (2012). Leadership in management of Knowledge workers. Procedia ° Social and Behavioral Sciences, 41, 243-250.
 - * Naome, T. (2010). Assessment of productivity of hospitals in Botswana: A DEA application, International archives medicine, 1-14.
 - * North, D. C. (1993). The New Institutional Economics and Development, Washington University, St. Louis. Available at:

- language of Rationality?; Administrative Theory and Practice, Vol. 24, No 2, 2002.
- * Thacher D. (2004). Value Rationality in Policy Analysis; On Published Manuscript, University of Michigan, February.
 - * Tarchys, D (1975). The Growth of Public Expenditure: Nine Modes of Explanation, Scandinavian Political Studies Yearbook 10.
 - * Tseng. C. C. (2010). The Effects of Learning Organization Practices on Organizational Commitment and Effectiveness for Small and Medium-Sized Enterprises in Taiwan. Unpublished Doctoral Thesis. Minnesota University.
 - * Waldo, D. (1995). The Study of Public Administration; New York, Random House.
 - * Weber, M (1968). Economy and Society, Bedminster, New York.
 - * Wildavsky, A. (1979). Speaking Truth to Power: The Art and Craft of Policy Analysis (Boston: Little, Brown.
 - * Wildavsky, A. (1983). Information as an Organizational problem, Journal of Management Studies 20, No. 1 January.
 - * Winter, S, (1990). Integrating Implementation Research; in: Implementation and the Policy Process, Edited by D. J. Palumbo and D. J. Calista, Green wood Press.
 - * Zhu. Y & Buchmann. P. (2002). Evaluating and Selecting Web Sources as External Information Resources of a Data Warehouse. Germany, Department of Computer Science, Darmstadt University of Technology 64283 Darmstadt.